



doi 10.22059/jis.2023.352136.1171

Research Paper

## A Comparative Study of the Story Rostam in Ferdowsi's Shahnameh and Ram in Ramayana Epic

Yosofali Beiranvand<sup>1</sup> | Mina Khosravi<sup>2</sup>

1. Corresponding author, PhD graduate of the Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khoramabad, Iran

E-mail: [yossofali.biranvand@gmail.com](mailto:yossofali.biranvand@gmail.com)

2. Master's degree, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran. E-mail: [minakhosravi1397@gmail.com](mailto:minakhosravi1397@gmail.com)

### Article Info.

### Abstract

**Received:**  
2022/12/05

**Accepted:**  
2023/03/08

**Keywords:**  
*Shahnameh,*  
*Ramayana,*  
*Rostam, Ram,*  
*Ravan*

The epic and mythological narratives of the Indo-Iranian peoples have been influenced by each other due to their common origins and long-standing cultural relations. The narrations of Rostam in Ferdowsi's Shahnameh and Ram in Ramayana have many similarities. It can be said that these two characters are born of the long-term cultural relationship between Iran and India. Which of these two books was influenced by the other is hidden from us. We only know that the two characters of Rostam for Iranians and Ram for Indians have a special sanctity and show the magnificence of the epic hero in the mind. This research seeks to investigate the similar and different features of Rostam and Ram's stories with a comparative-analytical method. The similarities and differences between Rostam and Ram in summary are: 1- Birth prediction 2- Appearance beauty 3- Loyalty to the king. The similar friends and enemies of Rostam and Ram are: 1- Afrasiab and Ravana are similar in that they seek power and have inherent evil. Except that Ravana is a demon. 2- White Devil and Raven are similar because they take hostages and the heroes have to fight with them to free the hostages. 3- Keikavus and Sita deceive the demon. 4- Zavareh and Lakashman are brothers and supporters of the hero. The difference between them is that Lakashman is with Ram in most of the events. 5- Tahmineh and Sita are the hero's wives who separated from the hero and gave birth away from him. The difference is that Sita did not hide the father's name from the her children.

**How To Cite:** Beiranvand, Yosofali; Khosravi, Mina (2024). A Comparative Study of the Story Rostam in Ferdowsi's Shahnameh and Ram in Ramayana Epic. Journal of Iranian Studies 14(3):27-52

**Publisher:** University of Tehran Press.





## بررسی تطبیقی داستان رستم در شاهنامه فردوسی و رام در حماسه رامایانا

یوسف‌علی بیرانوند<sup>۱</sup> | مینا خسروی<sup>۲</sup>

۱. نویسنده مسئول، دانش‌آموخته دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.  
رایانامه: [yossofali.biranvand@gmail.com](mailto:yossofali.biranvand@gmail.com)

۲. کارشناسی ارشد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران. رایانامه:  
[minakhosravi1397@gmail.com](mailto:minakhosravi1397@gmail.com)

### اطلاعات مقاله چکیده

روایات حماسی و اسطوره‌ای اقوام هند و ایرانی به خاطر خاستگاه مشترک و روابط فرهنگی طولانی‌مدت تحت تأثیر یکدیگر قرار گرفته است. داستان‌های رستم در شاهنامه فردوسی و رام در رامایانا شباهت‌های زیادی با هم دارند. این پژوهش با روش تطبیقی-تحلیلی به دنبال بررسی ویژگی‌های مشابه و متفاوت داستان‌های رستم و رام است. شباهت‌ها و تفاوت‌های رستم و رام به صورت خلاصه عبارتند از: ۱- پیشگویی تولد ۲- زیبایی ظاهری ۳- وفاداری به پادشاه. دوستان و دشمنان مشابه رستم و رام عبارتند از: ۱- افراسیاب و راون از این نظر که قدرت‌طلب‌اند و شر ذاتی دارند به هم شباهت دارند. با این تفاوت که راون یک دیو است. ۲- دیو سپید و راون بدان خاطر که گروگان می‌گیرند و قهرمانان مجبورند برای رهایی گروگان با آن‌ها بجنگند، به هم می‌مانند. ۳- کی کاووس و سیتا فریب دیو را می‌خورند. ۴- زواره و لکشمن برادر و پشتیبان قهرمان هستند. تفاوت آن‌ها در آن است که لکشمن در بیشتر اتفاقات همراه رام است. ۵- تهمینه و سیتا همسر قهرمان هستند که از قهرمان جدا شده و دور از او زایمان کرده‌اند. تفاوتشان در آن است که سیتا نام پدر را از فرزندان پنهان نکرده است.

### تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۰۹/۱۴

### تاریخ پذیرش:

۱۴۰۱/۱۲/۱۷

### واژه‌های کلیدی:

شاهنامه، رامایانا، رستم، رام، راون.

**استناد به این مقاله:** بیرانوند، یوسف‌علی؛ خسروی، مینا (۱۴۰۳). بررسی تطبیقی داستان رستم در شاهنامه فردوسی و رام در حماسه رامایانا. فصلنامه پژوهش‌های ایران‌شناسی ۱۴ (۳): ۵۲-۲۷



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

## ۱. مقدمه

دو قوم هند و ایرانی از دیرباز با هم روابط تنگاتنگ نژادی و فرهنگی داشته‌اند. این دو قوم آریایی «در تاریخی که به روشنی معلوم نیست، از طوایف دیگر آریایی هند و اروپایی جدا شدند و از میهن مشترک اصلی خود که به نظر بیشتر صاحب‌نظران در منطقه‌ای در شمال، ناحیه‌ای میان دریاچه اورال و دریای سیاه واقع بود، کوچ کردند» (گزیده ریگ‌ودا، ۱۳۶۷: ۱-۲). در بیشتر منابع تاریخی، از کوچ بزرگ اقوام آریایی سخن رفته است. «در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ تا ۱۵۰۰ ق.م کوچ بزرگی از آسیای مرکزی آغاز شد. از مهاجران دسته‌ای در غرب و شمال اروپا اقامت گزیدند و دیگران به ایران و سپس به هند در جنوب و شرق رفتند» (شاتوک، ۱۳۸۵: ۲۳). دو قوم هند و ایرانی خدایان مشترکی مانند میترا، ورونا، اندرا و ناسیته را پرستش می‌کردند که نام‌شان در اوستا و ریگ‌ودا آمده است (گزیده ریگ‌ودا، ۱۳۶۷: ۳). واژه پهلوا یا پهلواس در منابع کهن هندی مانند رامایانا، مه‌بهارتا و پورانا آمده است (Thapliyal, 1979: 12). از طرف دیگر، از واژه پارتاوا نیز در ریگ‌ودا یاد شده است (Macdowall, 1965: 137).

میان دو قوم هند و ایرانی ارتباطات فرهنگی گسترده‌ای وجود داشت؛ تا این که «این ارتباط در حمله اسکندر از هم گسیخت؛ ولی بار دیگر در زمان صفویان دوباره تنگاتنگ گردید» (Patel and Daryae, 2017: 3). برآیند این ارتباط قومی - فرهنگی را در آثار حماسی مانند شاهنامه فردوسی و رامایانا از المیکی نیز می‌توان دید. دو شخصیت رستم و رام بسیار به هم شبیه هستند. می‌توان گفت این دو شخصیت زاینده ارتباط فرهنگی طولانی مدت ایران و هند هستند. این که کدام یک از این دو کتاب تحت تأثیر دیگری بوده است بر ما پوشیده است. تنها می‌دانیم که دو شخصیت رستم برای ایرانیان و رام برای هندیان از تقدس خاصی برخوردار هستند و شکوهمندی قهرمان حماسی را در ذهن جلوه‌گر می‌کنند. «رستم نشان‌دهنده یک پهلوان کامل در ایران باستانی است. این مرد تجسم اندیشه و آرزوی پیشینیان ماست» (اسلامی‌ندوشن، ۱۳۷۶: ۲۹۲).

«راماین در میان کتاب‌های مقدس هندوان در مرتبه سوم است؛ اما از نظر شهرت و نفوذ در زندگی عامه سرآمد همه است» (یغمایی، ۲۵۳۵: دوازده). زمان دقیق سرایش این منظومه حماسی چندان مشخص نیست. برخی آن را مربوط به قرن سوم، پنجم، ششم یا هشتم پیش از میلاد دانسته‌اند (Shegal, 1991: 919) و المیکی و داس، ۱۳۷۹: ۸، (Bajpai and Takur, 1999: 19/ 1110).

## ۱-۱. پرسش‌های تحقیق

- ۱- دو شخصیت رستم و رام چه ویژگی‌های مشابه و متفاوتی دارند؟
- ۲- دوستان و دشمنان رستم و رام چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با هم دارند؟
- ۳- چه پدیده‌هایی در دو داستان رستم و رام با هم شباهت دارند؟

## ۲-۱. پیشینه تحقیق

زاهدی (۱۳۸۹) در پایان‌نامه‌ای به مقایسه جایگاه زن در شاهنامه و رامایانا همت گماشته است. نصرافهانی و صادقی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای به بررسی شباهت‌های ایندرا و رستم پرداخته‌اند. نورائی و باوندپور (۱۳۹۲) در مقاله‌ای به بررسی ریخت‌شناسی قصه ضحاک در شاهنامه و راوانا در رامایانا همت گماشته‌اند. ادهم (۱۳۹۲) در مقاله‌ای برای بررسی تطبیقی اهریمنان خشکی در شاهنامه فردوسی و حماسه رامایانا کوشیده است. صادقی‌تحصیلی و زاهدی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای به بررسی تطبیقی جایگاه مادران در شاهنامه و رامایانا پرداخته‌اند. ستاری و همکارانش (۱۳۹۴) در مقاله‌ای شخصیت رستم در داستان رستم و اسفندیار را بر اساس نظریه خودشکوفایی مزلو بررسی کرده‌اند. بیرانوند (۱۳۹۴) در رساله دکتری خود، به بررسی تطبیقی داستان‌های شاهنامه، رامایانا، ایلپاد و اودیسه بر اساس نظریات تعارض و مذاکره پرداخته است. بیرانوند و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای کوشیده‌اند به بررسی تطبیقی شخصیت‌های مشابه دو داستان سیاوش و رامایانا پردازند.

## ۳-۱. روش پژوهش

روش پژوهش این مقاله به صورت تطبیقی-تحلیلی (مقایسه‌ای) است. در این روش، به بررسی مشترکات دو پدیده یا متن پرداخته می‌شود. تحلیل تطبیقی دو روش اصلی دارد: بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های دو پدیده یا اثر (Rihoux and Ragin, 2009: 2). در این پژوهش نیز می‌کوشیم به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های دو داستان در موضوعات مختلف پردازیم.

## ۲. بحث

### ۲-۱. خلاصه داستان رام

راجه جسرت<sup>۱</sup> - پادشاه اجودهیا (اوده) - از سه همسرش، چهار پسر دارد. رام از همه بزرگتر است؛ بنابراین او باید جانشین پدر شود؛ ولی همسر کوچکتر پادشاه - کیکنی<sup>۲</sup> - به یاد راجه می‌آورد که هنگامی که یک بار جان راجه را نجات داده، به او قول داده است که جبران می‌کند. کیکنی از پادشاه می‌خواهد تاج و تخت را به پسر او واگذار کند و رام را به مدت چهارده سال از پایتخت دور

۱. Rāja Jasrat

۲. Kaikeyī

کند. رام با همسرش - سیتا - و برادرش - لکشمن<sup>۱</sup> - به جنگل می‌رود. شاه پیر نیز از اندوه می‌میرد. بهارت<sup>۲</sup> که قرار است پادشاه شود به جنگل می‌رود، تا رام را به اجودهیها بازگرداند؛ ولی رام نمی‌پذیرد. بعد از این ماجرا راوَن<sup>۳</sup> سیتا را می‌رباید و به خانه خود می‌برد. رام سپاهی از خرس ها و میمون‌ها را برای جنگ با دیوان می‌برد. هنومان - که یکی از میمونان است - رام را یاری می‌کند. هنومان جای سیتا را می‌یابد. سپاه رام پلی روی دریا می‌سازند؛ تا به لنکا برسند. آن‌ها دیوان را شکست می‌دهند و سیتا را از چنگال راون می‌رهانند. رام پیش از آن که سیتا را بپذیرد، از او می‌خواهد برای اثبات پاکدامنی خود به درون آتش برود. سیتا نیز به درون آتش می‌رود و سربلند و تندرست بیرون می‌آید. آنگاه رام و سیتا از لنکا به اجودهیها باز می‌گردند. رام بر تخت پادشاهی سوار می‌شود. رشک‌مندان بدگمانی رام را درباره سیتا برمی‌انگیزند. رام از لکشمن می‌خواهد که سیتا را ببرد و در بیابان‌های دور رها کند. لکشمن نیز دستور رام را انجام می‌دهد. این در حالی است که سیتا باردار است. سیتا با سرگردانی در جستجوی سرپناهی است که به والمیکی می‌رسد و در نزد او ماندگار می‌شود. پس از مدتی سیتا دو پسر می‌زاید. والمیکی به آن دو پسر دانش و جنگاوری می‌آموزد. هنگامی که به پانزده سالگی می‌رسند به نزد رام می‌روند و رام آنان را می‌شناسد. سپس رام سیتا را نیز به اجودهیها فرامی‌خواند. سیتا که بسیار آزرده است، دوباره برای اثبات پاک‌اش از مادر خود - زمین - می‌خواهد تا پاکی او را گواهی دهد. در آن هنگام زمین دهان باز می‌کند و سیتا را فرومی‌برد. رام هنگامی که این رخداد را می‌بیند، بسیار اندوهگین می‌شود و بر آن می‌نهد که در آسمان به دنبال سیتا بگردد و به او بپیوندد (والمیکی و داس، ۱۳۷۹).

## ۲-۲. شباهت‌ها و تفاوت‌های رستم و رام

پیش از آن که به تطبیق و مقایسه دو داستان بپردازیم، در جدول ۱ به بررسی تطبیقی شباهت‌ها و تفاوت‌های دو داستان می‌پردازیم؛ سپس آن‌ها را به تفصیل مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم.

---

۱. Lakashman

۲. Bharat

۳. Ravana

جدول ۱. بررسی مقایسه‌ای عناصر دو داستان رستم و رام

موضوع	شباهت‌ها	تفاوت‌ها
پیشگویی تولد	پیشگویی آینده نیکوی دو شخصیت	موبدان، بزرگان، ستاره‌شناسان و خردمندان تولد رستم را به وسیله ستارگان پیشگویی می‌کنند. سیمغ نیز دلیر بودن رستم را پیشگویی می‌کند. در رامایانه، یکی از برهمنان تولد رام را پیشگویی می‌کند.
زیبایی ظاهری	هر دو زیبایی ظاهری دارند.	رستم بلندقد و تنومند است؛ ولی رام تنها زیباست.
وفاداری به پادشاه	هر دو فرمانبردار پادشاه بوده‌اند.	رستم با کی‌کاوس سر ناسازگاری دارد و در برابر او مغرور است؛ ولی رام در برابر پادشاه فروتنی می‌ورزد و هیچ گونه نافرمانی در برابر او ندارد.
داشتن نقش محوری در برابر دشمنان	هر دو در برابر دشمنان نقش محوری دارند.	رستم به صورت شخصیتی انسانی و میهن‌پرست ظاهر می‌شود که هیچ گونه سرنوشتی او را برای دفاع از میهن برنمی‌نگیخته است. ولی رام تجلی یکی از خدایان است که وظیفه‌اش دفاع از نیروهای خیر است.
نیک‌خواهی	هر دو درباره دیگران با نیک‌ی برخورد می‌کنند.	رستم در جایگاه انسانی به دیگران نیک‌ی می‌کند؛ ولی رام در جایگاه خدایی.
مهارت در تیراندازی	هر دو در تیراندازی مهارت دارند.	رستم مانند یک پهلوان بامهارت تیراندازی می‌کند؛ ولی در بیان تیراندازی رام غلو شده است.
نام‌پوشی	هر دو شخصیت نام خود را پوشیده‌اند.	رستم در برابر پسر خود نام‌پوشی می‌کند و داستانش به تراژدی می‌انجامد. رام در برابر یکی از برهمنان نام‌پوشی می‌کند؛ ولی به تراژدی نمی‌انجامد.
دفاع از خود	هر دو مورد هجوم دشمنان قرار می‌گیرند و آن‌ها برای جلوگیری از درگیری به مذاکره می‌پردازند.	
احترام به پدر	هر دو به پدرشان احترام می‌گذارند.	رستم با جنگاوری دستور پدر را انجام می‌دهد؛ ولی رام با انجام دادن پیمان پدرش به او احترام می‌گذارد.
ارتباط با ماورا	هر دو با ماورا ارتباط دارند.	رستم در جایگاه انسانی نیازمند کمک گرفتن از ماورا است؛ ولی رام خود یکی از خدایان است و به خود استوار است.
شرکت در تراژدی	هر دو برای حفظ آبروی خود دست به تراژدی می‌زنند.	رستم با جنگاوری و دفاع از حریم پهلوانی خود تراژدی را رقم می‌زند؛ این در حالی است که پسر خود را نمی‌شناسد. ولی رام با رفتار تعارض‌گونه خود نسبت به همسرش تراژدی را می‌آفریند. رام بر خلاف رستم سیتا را کاملاً می‌شناسد.
افراسیاب و راون	هر دو به دنبال قدرت هستند و شر ذاتی دارند.	افراسیاب شخصیتی انسانی دارد؛ ولی راون یک دیو است.

دیوان و جادوگران	در هر دو داستان، دیوان و جادوگران تغییر چهره می‌دهند؛ تا شناخته نشوند. دیوان نیز فریبکارند.	رستم بر خلاف رام، دیو را می‌فریبد.
کی کاووس و سیتا	هر دو فریب دیو را می‌خورند.	کی کاووس همراهانی دارد، که آن‌ها نیز مانند او فریب دیو را می‌خورند و گرفتار می‌شوند؛ ولی سیتا خود تنها فریب دیو را می‌خورد و اسیر دیو می‌شود.
دیو سپید و راون	هر دو دیو فریبکارند و دوستان قهرمان را به گروگان می‌گیرند.	رستم به تنهایی موفق می‌شود دیو را بکشد؛ ولی رام با کمک میمونان و برادرش این توانایی را می‌یابد که دیو را بکشد.
زواره و لکشم	هر دو یاریگر و همراه قهرمان بوده‌اند.	زواره در همه داستان‌های رستم حضور ندارد؛ ولی لکشم در بیشتر داستان‌های رام حضور دارد.
تهمینه و سیتا	هر دو شوهرانشان را بعد از تولد فرزندان دیگر نمی‌بینند و نمونه دو زن رنجیده در این دو داستان هستند.	سیتا بر خلاف تهمینه نام پدر را از پسرانش پنهان نمی‌کند. سیتا از رفتار شوهرش ناراحت است؛ ولی تهمینه به خاطر مرگ پسرش اندوهگین است. رفتار سهراب با تهمینه برخلاف رفتار پسران سیتا پرخاشگرانه است.
حیوانات	در هر دو داستان یاریگر قهرمان هستند.	در داستان رام حیوانات یاریگر سخن می‌گویند؛ ولی در داستان رستم حیوانات یاریگر سخن نمی‌گویند.
مازندران و لنکا	جایگاه دیوان و دشمنان است.	راه رسیدن به مازندران از میان کوه‌ها و راه رسیدن به لنکا از میان دریا می‌گذرد.

### ۱-۲-۲. پیشگویی تولد

پیش از آن که قهرمانان دو حماسه پا به جهان بگذارند، تولد و آینده درخشان‌شان پیشگویی می‌شود. در شاهنامه موبدان، بزرگان، ستاره‌شناسان و خردمندان تولد رستم را برای منوچهر پیشگویی می‌کنند. این موضوع باعث می‌شود منوچهر با ازدواج زال و رودابه موافقت نماید.

زبان بر گشادند بر شهریار  
 که کردیم با چرخ گردان شمار  
 ازین دخت مهرباب و از پور سام  
 گوی پر منش زاید و نیک نام  
 (فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۱۸-۲۱۷)

همچنین سیمرغ نیز تولد رستم را در هنگام زادن او پیشگویی می‌کند (فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۳۷). در رامایانا نیز، هنگامی که راجه جسرت به نزد «بشست‌رکبه»<sup>۱</sup> می‌رود، تا شاید او را از داشتن پسری در آینده خبر دهد، او می‌گوید: «غم مخور! در خانه تو چهار پسر خواهند شد. در آن پسران، کلان‌تر از همه سری‌رامچندر<sup>۲</sup> نام خواهد یافت. یقین بدان که عین اوتار نور پاک که آن را نرگن و نراکار گویند» (والمیکی و داس، ۱۳۷۹: ۹۰).

۱ . Vasishiha

۲ . Shrī Rāmachandra

در داستان رستم، پیشگویی به وسیله موبدان، بزرگان، ستاره‌شناسان و خردمندان با دیدن احوال ستارگان و سیمرخ بوده است. ولی در داستان رامایانا، پیشگویی به وسیله یکی از برهمنان انجام گرفته است.

### ۲-۲-۲. زیبایی ظاهری

آن گونه که در شاهنامه آمده است رستم بلندقد و زیبا بوده است. پیران درباره رستم می‌گوید:

یکی مرد بینی چو سرو سهی بدیدار با زیب و با فرهی

(فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۱۹۹)

کاموس کشانی نیز به رستم اشاره کرده است (فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۱۹۸).

در رامایانا نیز رام به داشتن زیبایی توصیف شده است. هنگام دیدار رام و سیتا همگان از زیبایی رام و لکشمی در شگفت می‌مانند. «یکی از مصاحبان سیتا که به گل چیدن رفته بود هر دو برادر را دید بر حسن و جمال این‌ها برآشفت» (والمیکی و داس، ۱۳۷۹: ۱۲۱).

تفاوت رستم و رام در آن است که رستم به بلندقد و تنومند بودن توصیف شده است؛ ولی رام تنها به زیبایی.

### ۲-۲-۳. وفاداری به پادشاهی

رستم شخصیتی وفادار به پادشاهان روزگار خویش است. «خانواده رستم همواره نسبت به پادشاه وقت وفادارند» (اسلامی‌ندوشن، ۱۳۷۶: ۳۱۱). رستم با آن که کاووس پادشاه بی‌خردی است، نسبت به او وفادار است. او برای نجات کاووس به مازندران می‌رود و از هفت خان می‌گذرد و جان خود را به خطر می‌اندازد. در رامایانا نیز رام نسبت به پادشاه که پدرش نیز است، وفادار است و طبق پیمانی که راجه‌جسرت با کیکی بسته است عمل می‌کند.

تفاوت رستم و رام در این باره آن است که رستم و کی کاووس معمولاً سر سازگاری با هم ندارند؛ در ماجرای آمدن سهراب به ایران، رستم دیر به دربار می‌آید و هنگامی که می‌آید مورد خشم کاووس قرار می‌گیرد. ولی رستم در برابر پادشاه مغرور است و از این که او را در میان درباریان خوار کند ترسی ندارد.

بفرمود پس طوس را ر که رو هر دو را زنده برکن بدار

تهمتن برآشفت با شه‌ریار که چندین مدار آتش اندر کنار

(فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۲۰۰)

در مقابل، رام در برابر پادشاه شخصیتی فروتن و فرمانبردار دارد که هیچ گونه سرپیچی در رفتار او دیده نمی‌شود. هنگامی که رام برای عمل کردن به پیمان پدرش به جنگل می‌رود، بهرت- برادر رام- به نزد رام می‌آید که پادشاهی را به او واگذار کند؛ ولی رام حاضر نمی‌شود از دستور پادشاه روگردانی کند و در همان جا می‌ماند (والمیکی و داس، ۱۳۷۹: ۲۱۷).



#### ۴-۲-۲. داشتن نقش محوری در برابر دشمنان

در شاهنامه، رستم نقش اساسی را در برابر دشمنان بر دوش دارد. بدون وجود او کسی توان رویارویی با دشمنان را ندارد. در داستان دشمنی سهراب، کاووس از روی نامه گزدهم می‌داند که کسی جز رستم توان جنگیدن با سهراب را ندارد؛ بنابراین گیو را برای آوردن رستم به زابل می‌فرستد (فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۹۴). «رستم همیشه به عنوان آخرین امید و نجات‌بخش موعود ایرانیان بوده است» (مرتضوی، ۱۳۶۹: ۵۸).

در رامایانا نیز، رام نقش محوری داستان را در برابر دشمنان بر دوش دارد. در نبرد فرجامین، راون خود را با صورت‌های گوناگون به یاران رام نشان داد و آن‌ها را ترساند. سرانجام این رام بود که با تیر همه صورت‌های خیالی راون را سرنگون کرد (والمیکی و داس، ۱۳۷۹: ۳۹۹). در پایان این نبرد، رام راون را از پا درمی‌آورد (والمیکی و داس، ۱۳۷۹: ۴۰۲). «هندوها رام را تجسم کامل خیر و خوبی و «راوانا» را تجسم کامل شر و بدی تعبیر می‌نمایند. به این ترتیب جنگ میان رام و راوانا را به عنوان نبرد خیر و شر تعبیر و تفسیر می‌کنند» (پانی‌پتی، ۲۰۰۹: مقدمه رامایانا از ضیایی و جعفری، ص ۱۶). تفاوت رستم و رام در این باره آن است که رستم به صورت شخصیتی انسانی و میهن‌پرست ظاهر می‌شود که هیچ گونه سرنوشتی او را برای دفاع از میهن برنینگخته است. ولی رام تجلی یکی از خدایان است که وظیفه‌اش دفاع از نیروهای خیر است.

#### ۵-۲-۲. نیک‌خواهی

در شاهنامه، رستم به عنوان شخصیتی نیک‌خواه معرفی می‌شود. این موضوع از زبان اسفندیار نیز بیان می‌شود:

همیشه همه نیکویی خواستی      به فرمان شاهان بیاراستی  
(فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۶: ۲۳۳)

رستم بخشش‌هایی به افراد مختلف نیز دارد. به عنوان نمونه، هنگامی که سیاوش از زابل می‌رود، رستم پیشکش‌های فراوانی با او همراه می‌کند (فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۶۴). رام نیز به صورت شخصیتی نیک‌خواه معرفی می‌شود که خویشکاری نگهبانی از زندگی، نیکی و... را بر دوش دارد و یکی از مظاهر خدای ویشنو است که برای خیر و برکت به این جهان مادی آمده است (گزیده ریگ‌ودا، ۱۳۶۷: ۱۰۴). اوست که به دیگران زندگی می‌دهد. همچنان که رامایانا می‌گوید، رام در کودکی نیز حیات می‌بخشیده است. «همین قسم نور مجسم، طرفه‌طرفه بازی‌های طفلی می‌کردند، کوشلیا و دیگر زنان و مردمان اوده را ثمره حیات می‌بخشیدند» (والمیکی و داس، ۱۳۷۹: ۱۰۰). تفاوت رستم و رام در این باره آن است که رستم در خویشکاری یک انسان نیکی کرده است؛ ولی رام در جایگاه خدایی.

**۶-۲-۲. مهارت در تیراندازی**

در داستان رستم و اشکبوس می‌بینیم که رستم در جنگ با اشکبوس، تیری را در کمان می‌گذارد و اسب اشکبوس را واژگون می‌کند. سپس با تیری دیگر خود اشکبوس را از پای درمی‌آورد.

بزد بر بر و سینه اشکبوس      سپهر آن زمان دست او داد بوس  
(فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۱۹۶)

در داستان رستم و اسفندیار نیز رستم با تیری از درخت گز چشم اسفندیار را کور می‌کند (فردوسی، ۱۳۸۶: ۶/۳۰۴).

در رامایانا نیز، رام مهارت خاصی در کشیدن کمان دارد. او هنگامی که با نیروهای راوانا روبه‌رو می‌شود بدین صورت عمل می‌کند: «سری رامچندر هم... تیری چنان انداختند که از یک تیر هفتصد هزار ارابه و یک هزار و چهارصد فیل بزرگ و هیجده هزار سوار و دویست هزار پیاده را به جان کشتند» (والمیکی و داس، ۱۳۷۹: ۳۹۳).

در بیان تیراندازی رام بیش از هر چیزی غلو خودنمایی می‌کند؛ رام با یک تیر چه کارهایی که نمی‌کند؟ در ادامه رام موفق می‌شود که راون را از بین ببرد (والمیکی و داس، ۱۳۷۹: ۴۰۲). همچنان که پیداست، تفاوت تیراندازی رستم و رام در آن است که درباره رام بسیار غلو شده است.

**۷-۲-۲. نام‌پوشی**

نام‌پوشی از ویژگی‌های شخصیتی رستم و رام است. «در نظر انسان بدوی نام هر کس مهم‌ترین مشخصه ذاتی او است» (فروید، ۱۳۵۱: ۸۰). انسان‌های کهن بر این باور بوده‌اند که «با دانستن نام واقعی کسی می‌توان بر هستی او چیره شد» (علیزاده و آیدنلو، ۱۳۸۵: ۱۹۷) در داستان رستم و سهراب، سهراب گمان می‌برد که این پهلوان رستم است؛ بنابراین به او می‌گوید: آیا تو رستمی؟ ولی رستم نام راستین خود را نمی‌گوید.

چنین داد پاسخ که رستم نیم      هم از تخمه سام نیرم نیم  
(فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۲۲۳)

در رامایانا، بعد از آن که رام کمان مهادیوجی را می‌شکند، یکی از برهمنان به نام پرسرام<sup>۱</sup>، برای درگیری با شکننده کمان برمی‌خیزد. رام به او می‌گوید: «من آن را شکسته‌ام»؛ ولی خود را معرفی نمی‌کند. لکشمین و پرسرام با هم درگیر می‌شوند. سرانجام رام کمان ویشنو را می‌کشد و پرسرام می‌فهمد که رام از مظاهر ویشنو است.

۱. Parsaram

«پرسرام از هوش برفت. بعد ساعتی که از غفلت به هوش آمد، ایشان را شناخت» (والمیکی و داس، ۱۳۷۹: ۱۴۲).

تفاوت رستم و رام در این باره آن است که نام‌پوشی رستم در برابر سهراب باعث تراژدی شده است؛ ولی در داستان رام این گونه نیست. همچنین رستم در برابر پسر خود نام خود را پنهان کرده است؛ ولی رام در برابر یکی از برهمنان.

### ۸-۲-۲. دفاع از خود

در همه جنگ‌ها، رستم آغازکننده جنگ نیست. می‌توان گفت رستم شخصیتی زورگو ندارد. به عنوان نمونه در داستان رستم و اسفندیار، اسفندیار برای بستن دست رستم به زابل می‌رود و رستم تنها از خود دفاع می‌کند. با این همه بارها اسفندیار را پند می‌دهد و از او می‌خواهد که از تصمیمش بازگردد.

بترس از جهاندار یزدان پاک      خرد را مکن با دل اندر مگاک

(فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۶: ۳۰۱)

رام نیز برای جنگیدن پیش‌دستی نمی‌کند؛ بلکه این دشمن است که همسر رام را می‌دزدد و او مجبور می‌شود برای رهایی همسرش بجنگد. رام یک‌بار هنومان و بار دیگر انگد را برای مذاکره با راون می‌فرستد. هنومان به راون می‌گوید: «کسی که دورکننده هراس بندگان خود است، او را بنده شو... او را خصومت نتوان کرد... همین که در پناه او رفتی، عفو تقصیرات تو خواهند کرد... پای مبارک سری رامچندر... در دل خود نگاه دار و سلطنت لنکا بکن» (والمیکی و داس، ۱۳۷۹: ۲۹۸). ولی سخنان هنومان هیچ تأثیر مثبتی در رفتار راون ندارد و به نبرد خویش ادامه می‌دهد.

چنانکه پیداست، رام و یارانش به دنبال مذاکره برای جلوگیری از درگیری هستند. رستم نیز پیش از درگیری با دشمنانش کوشیده است با آن‌ها مذاکره کند؛ تا شاید دشمنی به درگیری نینجامد که مذاکره با اسفندیار نمونه بارز آن است.

### ۹-۲-۲. احترام به پدر

در شاهنامه، رستم احترام خاصی برای زال قایل است و در کارهای مهم با او مشورت می‌کند. رستم می‌کوشد دستور زال را به انجام رساند. رستم در کین نیای خود- نریمان- به فرمان زال، در بار شتر نمک جای می‌دهد و به درون دژ دشمن می‌رود؛ سپس شبیه‌خون می‌زند و آن‌ها را شکست می‌دهد (فردوسی، ۱۳۸۶: ۱/ ۲۶۷) هنگامی که گرشاسب می‌میرد رستم دستور زال درباره پیدا کردن کی‌قباد را به انجام می‌رساند.

به رستم چنین گفت فرخنده زال  
 که برگیر کوپال و بفراز یال  
 برو تازیان تا به البرز کوه  
 گزین کن یکی لشکر همگروه...  
 تهمتت زمین را بمزگان برفت  
 کمر برمیان بست و چون باد تفت  
 (فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۵۷-۵۶)

در رامایانا، رام به خاطر پیمانی که راجه‌جسرت با کیکنی بسته است، پادشاهی را به مدت چهارده سال رها می‌کند؛ این در حالی است که پادشاهی حق اوست. هنگامی که رام راجه‌جسرت را می‌بیند که اندوهگین به چشم می‌آید، دلیل آن را از کیکنی می‌پرسد. «او گفت: راجه شما را می‌خواهد به جنگل فرستادن؛ از ملاحظه، روبروی شما نمی‌تواند گفت» (والمیکی و داس، ۱۳۷۹: ۱۷۹). در این هنگام راجه برمی‌خیزد و این سخن کیکنی را رد می‌کند و از رام می‌خواهد با زور سلطنت را از او بگیرد. رام به او می‌گوید: «زندگانی و سلطنت دنیا ثباتی ندارد که مصدر چنین افعال قبیح توان شد» (والمیکی و داس، ۱۳۷۹: ۱۷۹).

تفاوت این دو در آن است که رستم با جنگاوری دستور پدر را انجام می‌دهد؛ ولی رام با انجام دادن پیمان پدرش به او احترام می‌گذارد.

### ۱۰-۲-۲. ارتباط با ماورا

هنگامی که رستم در تنگنایی قرار می‌گیرد از نیروی دعا کمک می‌گیرد. همچنین سیمرغ که یاریگر خانوادگی زال است به یاری رستم می‌آید. در جنگ رستم و اسفندیار، رستم با راهنمایی سیمرغ موفق می‌شود اسفندیار را شکست دهد.

بدین گز بود هوش اسفندیار  
 تو این چوب را خوارمایه مدار  
 (فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۶۲)

رام خود از خدایان بزرگ هند و تجلی ویشنو است (والمیکی و داس، ۱۳۷۹: ۵۹۸). هنگامی که رام زاده می‌شود برهما و فرشتگان به شادی می‌پردازند. «در آن وقت، برهما و کل فرشتگان خود را از لباسهای فاخر و جواهرهای آبدار آرایش داده، بیوان سوار شده در آنجا آمدند» (والمیکی و داس، ۱۳۷۹: ۹۴). جایگاه انسانی رستم باعث شده است که نیازمند کمک خدا و یا نیرویی مانند سیمرغ شود؛ ولی رام، خود یکی از خدایان است و نیروهای خیر را در اختیار خویش دارد و به خود استوار است.

### ۱۱-۲-۲. شرکت در تراژدی

رستم در بیشتر پیروزی‌ها اندوهگین می‌شود. با شکست دادن سهراب درمی‌یابد که پسر دلبنده خود را کشته است؛ بنابراین در سوگ او می‌نشیند.

همی ریخت خون و همی کند موی سرش پر ز خاک و پر از آب روی

(فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۲۳۹)

بعد از کشتن اسفندیار نیز، رستم تابوتی برای تن بی‌جان او می‌سازد و خود بر مرگ اسفندیار گریه سر می‌دهد (فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۶: ۳۰۹).

در رامایانا، رام بعد از شکست دادن راون، به دنبال آزمودن سیتا است و با گذر از آتش او را می‌آزماید. رام به اجودهی می‌رود؛ ولی از آن‌جا که نمی‌تواند تهمت‌های مردم نسبت به سیتا و اسیربودن او در دست راون را برتابد، سیتا را در حالی که آبستن است، به جنگل می‌فرستد. همین موضوع قهرمان را در اندوه جدایی از یار دیرین فرومی‌برد. «سری‌رامچندر دیدند که از فراق سیتا خواب و آرام ندارد و اشک از چشم می‌ریخت و سخن نمی‌توانست گفت» (والمیکی و داس، ۱۳۷۹: ۴۷۲).

در این تراژدی‌ها، هر دو قهرمان نظر مردم برایشان مهم است. آن‌ها می‌کوشند آبروی خود را در نزد مردم حفظ کنند. شاید اگر پای حفظ آبرو در میان نبود، هرگز تراژدی رخ نمی‌داد. تفاوت رستم و رام، در این باره آن است که رستم با جنگاوری و دفاع از حریم پهلوانی خود تراژدی را رقم زده است؛ ولی رام با رفتار تعارض‌گونه خود نسبت به سیتا باعث تراژدی شده است. رستم سهراب را نمی‌شناسد؛ همین موضوع باعث آفریدن تراژدی می‌شود. ولی رام سیتا را می‌شناسد و از درستکار بودن وی آگاهی دارد.

## ۱۲-۲-۲. دوستان و دشمنان مشابه

### ۱۲-۲-۲. افراسیاب و راون

افراسیاب و راون دو شخصیت قدرت‌طلب هستند که قهرمانان هر دو کتاب را به چالش می‌کشند. افراسیاب نیرویی شگفت‌انگیز دارد و پهلوان بزرگی مانند زال را به ستایش خود می‌کشاند. هنگامی که در نبرد پشنگ با ایرانیان، رستم از زال نشانی افراسیاب را می‌پرسد،

بدو گفت زال ای پسر گوش دار      یک امروز با خویشتن هوش دار  
که آن ترک در جنگ نر ازدهاست      در آهنگ و در کینه ابر بلاست...

(فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۶۴)

ولی چنین شخصیتی تاب پایداری در برابر رستم را ندارد. رستم با گرز به او حمله‌ور می‌شود، کمر بند او را می‌گیرد و او را بلند می‌کند؛ ولی از خوش‌بختی افراسیاب، کمر بندش پاره می‌شود و می‌گریزد. راون به خاطر قدرت‌طلبی‌اش با یاری گرفتن از دعای برهمن تصمیم می‌گیرد نیروی فراوانی داشته باشد. او با «راجه سهری باهو» می‌جنگد و شکست می‌خورد و به وسیله این راجه، اسیر می‌شود؛ ولی «چچولست» وساطت می‌کند و راون را نجات می‌دهد. راون با «بال میمون» درگیر می‌شود و از او

شکست می‌خورد. به جنگ با «جم» می‌رود، جم او را شکست می‌دهد؛ ولی چون در نزد برهمن دعا کرده است، جم کشتن او را نافرمانی از برهما می‌داند (والمیکی و داس، ۱۳۷۹: ۷۷-۷۶). چیزی که در جنگ‌های راون آشکار است، شر بودن ذاتی وی است. از این نظر به افراسیاب شباهت دارد. همچنین راون همانند افراسیاب پرزور است. تفاوت افراسیاب و راون در آن است که افراسیاب شخصیتی انسانی دارد؛ ولی راون یک دیو ده سر است.

### ۲-۱۲-۲ دیوان و جادوگران

رستم در هفت‌خان با دیوهایی مانند آکوان دیو و دیو سپید می‌جنگد و آن‌ها را نابود می‌کند (فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۲۰). در واقع رستم برای یاری دیگران؛ یعنی کاووس اقدام به کشتن دیوان می‌کند. ماریچ و سوباهو دو دیوی هستند که بسوامتر عابد را اذیت می‌کنند. بسوامتر به نزد پدر رام می‌آید و از او می‌خواهد رام و لکشمین را به یاری او بفرستد. رام و لکشمین نیز با او همراه می‌شوند؛ تا این‌که به عفرتی به نام تارکا برخورد می‌کنند که مادر ماریچ است. رام تبری بر سینه او می‌زند و او را نابود می‌کند. سپس در روز قربانی رام و لکشمین، ماریچ و سوباهو را شکست می‌دهند و به این ترتیب قربانی انجام می‌گیرد (والمیکی و داس، ۱۳۷۹: ۱۰۷-۱۰۲). راون که یکی از ضدقهرمانان رامایانا است، جزء دیوان است و با بسیاری از دیوان به دشمنی با رام می‌پردازد.

در هر دو کتاب جادوگر و دیوان تغییر چهره می‌دهند، تا قهرمان آن‌ها را نشناسد و بدین ترتیب بتوانند او را شکست دهند. در هفت‌خان رستم پیرزن جادوگر خود را به صورت زنی زیبا بزک می‌کند؛ به گونه‌ای که رستم او را به زیبایی می‌ستاید و نام خدا را بر زبان می‌راند. جادوگر با شنیدن نام خدا به صورت پیرزنی زشت‌رو درمی‌آید. رستم کمند خویش را می‌افکند و او را به بند می‌کشد و با خنجر میانش را به دو نیم می‌کند (فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۹۹).

در رامایانا، بعد از آن‌که شورپانکها، خواهر راون، در نزد راون از رام شکایت می‌کند، راون به وزیرش، ماریچ، دستور می‌دهد که به صورت آهویی بر سیتا آشکار شود؛ تا از رام بخواهد آهو را برایش بیاورد. «سیتا تنها خواهد ماند. در آن وقت من او را خواهم آورد» (والمیکی و داس، ۱۳۷۹: ۲۳۸). رام به دنبال آهو می‌رود و آن را شکار می‌کند. در هنگام جان‌دادن به زبان رام «فریاد کرد که ای لکشمین زود بیا و خبر من بگیر که آهو در اصل دیو بوده است، مرا می‌کشد» (والمیکی و داس، ۱۳۷۹: ۱۴۲). لکشمین نیز با پافشاری سیتا به دنبال رام می‌رود. راون از این فرصت استفاده می‌کند و سیتا را از خطی که رام بر گرد او کشیده است، بیرون می‌آورد. با این روش که خود را به شکل یک جوگی درمی‌آورد و سیتا را می‌فریبد و با خود به لنکا می‌برد (والمیکی و داس، ۱۳۷۹: ۲۴۲-۲۴۳).

دیوان در هر دو داستان فریبکارند؛ با این تفاوت که رستم در برابر اکوان دیو که به او می‌گوید: «یک آرزو بکن؛ می‌خواهی تو را به سوی آب بیندازم یا کوه؟» راه نیرنگ‌بازی را در پیش می‌گیرد و با خود می‌گوید: «اگر بگویم مرا به دریا بیفکن، چون دیو اهریمن صفت است، مرا به کوه می‌افکند؛ بنابراین بهتر است بگویم: مرا به کوه بینداز». دیو که این سخن را می‌شنود، رستم را به طرف دریا می‌اندازد و رستم از مرگ رهایی می‌یابد (فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۳۰۷-۳۰۵).

### ۲-۲-۱۲-۲. کی کاووس و سیتا؛ دیو سپید و راون

کی کاووس و سیتا فریب دیو را می‌خورند و گرفتار رنج می‌شوند؛ بنابراین رستم و رام مجبور هستند، خود را به خطر بیندازند؛ تا آن‌ها را رهایی دهند. در شاهنامه، رامشگری دیوی به دربار کی کاووس می‌آید و از سرسبزی مازندران سخن می‌راند؛ تا این‌که کی کاوس به او فریفته می‌شود (فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۷۷). کی کاووس به همراه طوس، گودرز و گیو به مازندران لشکرکشی می‌کند. کاووس به گیو دستور می‌دهد که مازندران را چپاول کند. این‌جاست که دیو سپید وارد کارزار نبرد با کاووسیان می‌شود. همراهان کاووس همگی کور می‌شوند؛ چرا که دیو سپید میدان نبرد را با ابر و دود انباشته می‌کند. رستم به یاری او می‌رود و در این راه از هفت‌خان گذر می‌کند. در هر خان با نیرویی بدسرشت روبه‌رو می‌شود؛ ولی با یاری خداوند آن‌ها را از پا درمی‌آورد. تا این‌که سرانجام در خان هفتم با دیو سپید درگیر می‌شود. رستم سینه دیو را می‌شکافت و دل او را به چنگ می‌آورد (فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۰۸).

در رامایانا، راون دیوی دهم است که به بهانه انتقام شورپانکها سیتا را می‌دزدد و با خود به لنکا می‌برد. در آن‌جا از سیتا می‌خواهد که با او ازدواج کند؛ ولی سیتا به راون می‌گوید که رام برای آزادی او خواهد آمد؛ بنابراین راون به سیتا شش ماه فرصت می‌دهد که اگر رام نیاید با سیتا ازدواج کند (والمیکی و داس، ۱۳۷۹: ۲۴۴). در ادامه این رام است که مانند رستم برای رهایی گروگان دست به کار می‌شود و راون را شکست می‌دهد.

کی کاووس همراهانی دارد، که آن‌ها نیز مانند او فریب دیو را می‌خورند و گرفتار می‌شوند؛ ولی سیتا تنها خودش فریب دیو را می‌خورد و اسیر دیو می‌شود. رستم به تنهایی به جایگاه گروگان می‌رود و موفق می‌شود دیو را نابود کند؛ ولی رام با کمک میمونان و برادر خود می‌تواند به لنکا برود و دیو را بکشد.

### ۲-۲-۱۲-۴. زواره و لکشمین

زواره برادر رستم است که در بیشتر تنگناها او را همراهی می‌کند. در تعارض با اسفندیار، زواره نیز به نبرد می‌پردازد و نوش‌آذر- فرزند اسفندیار- را می‌کشد (فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۶: ۲۸۳). خویشکاری زواره

پشتیبانی از رستم است.

در رامایانا، لکشمین به مانند زواره پشتیبان قهرمان است. او به همراه رام به جنگل می‌رود و در بیشتر رخدادها رام را همراهی می‌کند. لکشمین می‌کوشد رام به اهدافش برسد. نمونه‌ای از فرمانبرداری لکشمین از رام، هنگامی است که رام از لکشمین می‌خواهد سیتا را برای همیشه به جنگل ببرد. «ای لکشمین... سیتا را بر اربه سوار کرده، کنار گنگا، نزدیک مقام وال‌میکمی عابد گذاشته، بیا» (وال‌میکمی و داس، ۱۳۷۹: ۴۶۶). در آغاز لکشمین نمی‌پذیرد؛ ولی چون با پافشاری رام روبه‌رو می‌شود، این کار را انجام می‌دهد. تفاوت این دو شخصیت در آن است که زواره در همه داستان‌های رستم حضور ندارد؛ ولی لکشمین در بیشتر داستان‌های رام حضور دارد.

### ۵-۱۲-۲-۲. تهمینه و سیتا

رستم در حالی تهمینه را رها می‌کند که احتمال می‌دهد آستن است. تهمینه نیز بعد از زایمان گویی که از رها شدنش اندوهگین است؛ بنابراین دوست ندارد سهراب از وجود پدرش آگاهی یابد. از طرف دیگر می‌داند که اگر سهراب بداند که پدرش رستم است به نزد او می‌رود. از لحن سهراب پیداست که اگر تهمینه نشانی رستم را به او ندهد، جان تهمینه را می‌گیرد (فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۷۸). رام نیز به لکشمین دستور می‌دهد، تا سیتا را در جنگل رها کند؛ در حالی که او آستن است. سیتا دو پسر به دنیا می‌آورد و نام آن‌ها را «کش» و «لو» می‌گذارد. با این تفاوت که سیتا نام پدر را از آن‌ها پنهان نمی‌کند. بعد از آن که رستم به ایران می‌آید، او و تهمینه دیگر هیچ‌وقت همدیگر را نمی‌بینند. سیتا و رام نیز در پایان داستان از همدیگر جدا می‌شوند. بعد از پیروزی رام، او و معشوقش - سیتا - از دردی بزرگ که دلایلی پیچیده دارد، رنج می‌برند. سیتا از زمین می‌خواهد که او را ببلعد؛ زمین نیز چنین می‌کند. رام هم در رودخانه‌ای غرق می‌شود (پانی‌پتی، ۲۰۰۹: ۲۴). تهمینه و سیتا نمونه دو زن رنجیده خاطر در هر دو داستان هستند؛ با این تفاوت که تهمینه به خاطر فرجام پسرش، اندوهگین می‌شود و جان خویش را از دست می‌دهد (فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۲۲۰). ولی سیتا از دست شوهرش ناراحت است. رفتار سهراب با تهمینه پرخاشگرانه است و از او می‌خواهد که نام پدر را به وی بگوید؛ ولی فرزندان سیتا چنین رفتاری با سیتا ندارند.

### ۶-۱۲-۲-۲. حیوانات

در داستان هفت‌خان رستم، در خان نخست رخس شیری را از پا درمی‌آورد. در خان دوم که رستم با بیابانی گرم روبه‌رو می‌شود و گرما و تشنگی به او فشار می‌آورد؛ تا این که میشی زیبا روبه‌روی پهلوان



پدیدار می‌گردد و رستم می‌فهمد که این جانور از جایی آب می‌خورد (فردوسی، ۱۳۸۶: ۱۳/۲). در خان سوم نیز رستم می‌خواهد؛ در حالی که اژدهایی قصد آزار او را دارد. تا این که رخس رستم را از خواب بیدار می‌کند و او را برای جنگیدن با اژدها یاری می‌کند (فردوسی، ج ۲: ۹۶). رستم این راه سخت چهارده روزه را با یاری رخس در هفت روز سپری می‌کند (فردوسی، ج ۲: ۹۱/۲).

در داستان دشمنی رام و راون، رام برای رسیدن به لنکا از میمونان یاری می‌جوید و آن‌ها با پلی که روی دریا می‌بندند راه رسیدن به لنکا را هموار می‌کنند. اگر میمون‌هایی مانند هنومان نبودند رام نمی‌توانست بر راون برتری یابد. هنومان خود را به لنکا می‌رساند. هنومان از بالای درختی پایین می‌آید و خود را فرستاده رام معرفی می‌کند. او می‌خواهد که سیتا را با خود ببرد؛ ولی سیتا این کار را غیرعقلانی می‌داند. هنومان پنج سردار راون را با فرزندان‌شان می‌کشد؛ تا این که ایندراجیت - پسر راون - به جنگ هنومان می‌آید و با جادوی برهما هنومان را اسیر خود می‌کند. راون دستور می‌دهد دم او را آتش بزنند؛ تا از مردن بدتر باشد. هنومان با دم آتشین خود همه لنکا را به آتش کشاند (والمیکی و داس، ۱۳۷۹: ۳۰۰-۲۹۳).

تفاوت حیوانات در داستان رستم و رام در آن است که حیوانات در داستان رام که همان میمونان هستند، رفتاری انسان‌گونه دارند؛ به این صورت که سخن می‌گویند و بیش از یک حیوان از خود کنش نشان می‌دهند.

### ۱۳-۲-۲. مازندران و لنکا

مازندران از روزگاران کهن جای دیوان بوده است؛ به گونه‌ای که کسی جرأت آن را نداشته است که به آن جا لشکر بکشد (فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۸۲).

لنکا نیز مانند مازندران جایگاه دیوان و دشمنان است. راه رسیدن به مازندران و لنکا برای قهرمان دشوار است. به گونه‌ای که رستم می‌بایست از هفت خان خطرناک بگذرد. زال به رستم می‌گوید: برای رسیدن به مازندران دو راه دشوار وجود دارد:

یکی از دو راه آنک کاوس رفت	دگر کوه و بالا و منزل دو هفت
پر از دیو و شیرست و پرتیرگی	بماند بدو چشمت از خیرگی

(فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۸۹)

این به راه رسیدن به لنکا که از دریا می‌گذرد و دشوار می‌نماید، شباهت دارد. رام و همراهانش مجبور می‌شوند برای رسیدن به لنکا بر روی دریا پل ببندند. تفاوت مازندران و لنکا در آن است که راه رسیدن به مازندران از میان کوه‌ها و راه رسیدن به لنکا از میان دریا می‌گذرد.

### ۳. نتیجه‌گیری

دو قوم هند و ایرانی به خاطر داشتن ریشه‌های مشترک، اسطوره‌های یکسان و مشابه زیادی دارند. از جمله اسطوره‌های مشابه، داستان‌هایی است که از رستم در شاهنامه فردوسی و رام در رامایانا از والمیکی وجود دارد. شباهت‌ها و تفاوت‌های داستان‌های رستم و رام بدین صورت است:

۱- پیشگویی تولد: آینده نیکوی رستم و رام پیشگویی می‌شود. با این تفاوت که موبدان، بزرگان، ستاره‌شناسان و خردمندان تولد رستم را به وسیله ستارگان پیشگویی می‌کنند و سیمرغ نیز دلیر بودن رستم را پیشگویی می‌کند. ولی تولد رام به وسیله یکی از برهمنان پیشگویی می‌شود. ۲- هر دو زیبایی ظاهری دارند. رستم بلندقد و تنومند است؛ ولی رام تنها زیباست. ۳- رستم و رام فرمانبردار پادشاه هستند. رستم با کی‌کاوس سر ناسازگاری دارد و در برابر او مغرور است؛ ولی رام در برابر پادشاه فروتنی می‌ورزد و هیچ‌گونه نافرمانی در برابر او ندارد. ۴- هر دو قهرمان در برابر دشمنان نقش محوری دارند. رستم به صورت شخصیتی انسانی و میهن‌پرست ظاهر می‌شود که هیچ‌گونه سرنوشتی او را برای دفاع از میهن برنینگخته است. ولی رام تجلی یکی از خدایان است که وظیفه‌اش دفاع از نیروهای خیر است. ۵- رام و رستم درباره دیگران با نیکی برخورد می‌کنند. رستم در جایگاه انسانی به دیگران نیکی می‌کند؛ ولی در جایگاه خدایی. ۶- هر دو قهرمان در تیراندازی مهارت دارند. با این تفاوت که رستم مانند یک پهلوان بامهارت تیراندازی می‌کند؛ ولی در بیان تیراندازی رام غلو شده است. ۷- هر دو شخصیت نام خود را پوشیده‌اند. رستم در برابر پسر خود نام‌پوشی می‌کند و داستانش به تراژدی می‌انجامد. ولی رام در برابر یکی از برهمنان نام‌پوشی می‌کند؛ ولی به تراژدی نمی‌انجامد. ۸- رستم و رام مورد هجوم دشمنان قرار می‌گیرند و آن‌ها برای جلوگیری از درگیری به مذاکره می‌پردازند. ۹- هر دو قهرمان به پدرشان احترام می‌گذارند. رستم با جنگاوری دستور پدر را انجام می‌دهد؛ ولی رام با انجام دادن پیمان پدرش به او احترام می‌گذارد. ۱۰- رستم و رام با ماورا ارتباط دارند. رستم در جایگاه انسانی نیازمند کمک گرفتن از ماورا است؛ ولی رام خود یکی از خدایان است و به خود استوار است. ۱۱- هر دو قهرمان برای حفظ آبروی خود دست به تراژدی می‌زنند. رستم با جنگاوری و دفاع از حریم پهلوانی خود تراژدی را رقم می‌زند؛ این در حالی است که پسر خود را نمی‌شناسد. ولی رام با رفتار تعارض‌گونه خود نسبت به همسرش تراژدی را می‌آفریند. رام بر خلاف رستم سیتا را کاملاً می‌شناسد.

از مقایسه دوستان و دشمنان رستم و رام و دیگر عناصر نتایج زیر به دست آمد:

۱- افرسیاب و راون: هر دو به دنبال قدرت هستند و شر ذاتی دارند. افراسیاب شخصیتی انسانی دارد؛ ولی راون یک دیو است. ۲- دیوان و جادوگران: در هر دو داستان دیوان و جادوگران تغییر چهره می‌دهند؛ تا شناخته نشوند. رستم بر خلاف رام، دیو را می‌فریبد. ۳- کی‌کاوس و سیتا: هر دو فریب دیو را

می‌خورند. کی کاووس همراهانی دارد، که آن‌ها نیز مانند او فریب دیو را می‌خورند و گرفتار می‌شوند؛ ولی سیتا خود تنها فریب دیو را می‌خورد و اسیر دیو می‌شود. ۴- دیو سپید و راون: هر دو دیو فریبکارند و دوستان قهرمان را به گروگان می‌گیرند. رستم به تنهایی موفق می‌شود دیو را بکشد؛ ولی رام با کمک میمونان و برادرش این توانایی را می‌یابد که دیو را نابود کند. ۵- زواره و لکشمن: هر دو یاریگر و همراه قهرمان هستند. زواره در همه داستان‌های رستم حضور ندارد؛ ولی لکشمن در بیشتر داستان‌های رام حضور دارد. ۶- تهمینه و سیتا: هر دو شوهرانشان را بعد از تولد فرزندان‌شان دیگر نمی‌بینند و نمونه دو زن رنجیده در این دو داستان هستند. سیتا بر خلاف تهمینه نام پدر را از پسرانش پنهان نمی‌کند. سیتا از رفتار شوهرش ناراحت است؛ ولی تهمینه به خاطر مرگ پسرش اندوهگین است. رفتار سهراب با تهمینه برخلاف رفتار پسران سیتا پرخاشگرانه است. ۷- حیوانات: در هر دو داستان یاریگر قهرمان هستند. در داستان رام حیوانات یاریگر سخن می‌گویند؛ ولی در داستان رستم حیوانات یاریگر سخن نمی‌گویند. ۸- مازندران و لنکا: جایگاه دیوان و دشمنان است. راه رسیدن به مازندران از میان کوه‌ها و راه رسیدن به لنکا از میان دریا می‌گذرد.

### تعارض منافع:

نویسندگان متعهد می‌شود مقاله تعارض منافع ندارد. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است.

### منابع

- ادهم، نیما (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی اهریمنان خشکی در شاهنامه فردوسی و حماسه رامایانا. فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی. ۹ (۳۲). ۱۸-۱.
- اسلامی‌ندوشن، محمدعلی. (۱۳۷۶). زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه. تهران: نشر آگاه.
- بیرانوند، یوسف‌علی (۱۳۹۴). تحلیل تعارض و مذاکره در حماسه‌های مشهور جهان. رساله دکتری. به راهنمایی قاسم صحرائی. خرم‌آباد: دانشگاه لرستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- بیرانوند، یوسف‌علی؛ صحرائی، قاسم؛ حیدری، علی و حسنی جلیلیان، محمدرضا (۱۳۹۵). بررسی شخصیت‌ها و کارکردهای آن‌ها در داستان‌های سیاوش و رامایانا. نشریه زبان و ادبی فارسی (تبریز). ۶۹ (۲۳۴). ۱-۱۵.
- پانی‌پتی، مسیح. (۲۰۰۹). رامایانا، به اهتمام سیدعبدالحمید ضیایی و سیدمحمدیونس جعفری. دهلی نو:

خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران.

زاهدی، سیده اکرم. (۱۳۸۹). سیمای زن در شاهنامه و رامایانا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. به راهنمایی طاهره صادقی‌تحصیلی. خرم‌آباد: دانشگاه لرستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

ستاری، رضا؛ صفارحیدری؛ حجت و محرابی‌کالی، منیره (۱۳۹۴). «شخصیت رستم بر اساس داستان رستم و اسفندیار در شاهنامه و نظریه خودشکوفایی آبراهام مزلو». نشریه متن‌پژوهی ادبی. ۹ (۶۴). ۱۰۹-۸۳.

شاتوک، سیبل (۱۳۸۵). دین هندو. ترجمه حسن افشار. چاپ دوم. تهران: نشر مرکز.

صادقی‌تحصیلی، طاهره و زاهدی، سیده اکرم (۱۳۹۲). جایگاه مادران در شاهنامه و رامایانا. نشریه ادبیات تطبیقی. ۵ (۹). ۱۱۲-۹۵.

علیزاده، ناصر و آیدنلو، سجاد (۱۳۸۵). بازشناسی مضمون حماسی- اساطیری رویارویی پدر و پسر در روایتی از تذکره‌الاولیا. فصلنامه پژوهش‌های ادبی. ۱۲. ۲۰۸-۱۹۱.

فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶). شاهنامه، براساس چاپ مسکو، به کوشش سعید حمیدیان. تهران: انتشارات قطره.

فروید، زیگموند (۱۳۵۱). توتم و تابو. ترجمه محمدعلی خنجی. تهران: انتشارات طهوری.

گزیده ریگ ودا (۱۳۶۷). تحقیق و ترجمه سیدمحمدرضا جلالی نائینی و مقدمه تاراچند. چاپ دوم. تهران: نشر نقره.

مرتضوی، منوچهر (۱۳۶۹). فردوسی و شاهنامه. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

نصراصفهانی، محمدرضا؛ صادقی، علی (۱۳۹۱). دگردیسی ایندرا به رستم. فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی. ۸ (۲۸). ۲۶۷-۲۴۹.

نورائی، الیاس و باوندپور، صغری (۱۳۹۲). ریخت‌شناسی قصه ضحاک در شاهنامه و راوانا در رامایانا. نشریه تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا). ۵ (۱۵). ۱۴۳-۱۲۷.

والمیکی و داس، تلسی. (۱۳۷۹). رامایانا. ترجمه امرسنکهه و امرپرکاش. تهران: مؤسسه فرهنگی، هنری، سینمایی الست فردا.

یغمایی، اقبال. (۲۵۳۵). مختصر راماین، کهن‌ترین اثر حماسی هندوان. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

Bajpai, K.D & Takur, V.K. (1999). Rāma in Ancient Literature and Art in Coomaraswamy.

Macdowall, D.w. (1965). The Dynasty of the Later Indo- Parthians. Numismatic Chronicle. 7 (5). 137-148.

Patal, A & Daryae, T. (2017). India and Iran in the Longue Duree. Lieden:

Brill Publication.

Rihoux, B & Ragin, C. (2009). *Configurational Comparative Methods*. Los Angeles: Sage Publication.

Shagal, Sunil (1991). *Ency of Hinduism*. New Delhi. Sarup & Sons.

Thapliyal. U.P. (1979). *Foreign Element in Ancient Indian Society*. New Delhi Manshiram.

### References

Adham, N. (2012). Devils of Drought in Shāhnāmeḥ and Rāmāyānā: A Comparative Study. *A quarterly of mystical and mythological literature*. 9 (32). 1-18. (In Persian).

Alizadeh, N & Aydanlou, S. (2015). Recognizing the epic-mythological theme of father and son confrontation in a story of Tadzireh al-Awliya. *Literary Researches Quarterly*. 12. 191-208. (In Persian).

Bajpai, K.D & Takur, V.K. (1999). *Rāma in Ancient Literature and Art in Coomaraswamy*.

Beiranvand, Y; Sahrai, Q; Heydari, A; Hasani Jalilian, M. (2015).A Comparative Study of Characters and their Functions in Siavoosh and Ramayana. *Persian Language and Literature Journal (Tabriz)*. 69 (234). 1-15. (In Persian).

Beiranvand, Y. (2014). *Analysis of conflict and negotiation in world famous epics*. PhD thesis. Guided by Qasem Sahrai. Khorramabad: Lorestan University, Faculty of Literature and Human Sciences. (In Persian).

Excerpt from Rig Veda (1988). Research and translation by Seyyed Mohammadreza Jalali Naini and introduction by Tarachand. Second edition. Tehran: Noghreh publication. (In Persian).

Ferdowsi, Abulqasem (2007). *Shahnameh*, based on the Moscow edition, by Saeed Hamidian. Tehran: Ghatreh Publication. (In Persian).

Freud, S. (1351). *Totem and taboo*. Translated by Mohammad Ali Khanji. Tehran: Tahori Publication. (In Persian).

Islami Nadushan, M. A. (1997). *Life and death of heroes in Shahnameh*. Tehran: Agah Publication. (In Persian).

Macdowall, D.w. (1965). *The Dynasty of the Later Indo- Parthians*. *Numismatic Chronicle*. 7 (5). 137-148.

Mortazavi, M. (1990). *Ferdowsi and Shahnameh*. Tehran: Scientific and Cultural Publication. (In Persian).

Nasre esfehani, M & Sadeghi, A. (2012). Metamorphosis of Indra to Rostam. *A quarterly of mystical and mythological literature*. 8 (28). 267-249. (In Persian).

Nurai, E & Bavandpour, S. (2012). Morphology of the Story of “Zahhak” in Shahnameh and the Story of “Ravana” in Ramayana (The Fight between the Good and the Evil). *Scientific quarterly interpretayion and analysis of Persian language and literature texts (Dehkhoda)*. 5 (15). 127-143. (In Persian).

- Panipati, M. (2009). *Ramayana*, by Seyyed Abdul Hamid Ziyai and Seyyed Mohammad Younes Jafari. New Delhi: House of Culture of the Islamic Republic of Iran. (In Persian).
- Patal, A & Daryae, T. (2017). *India and Iran in the Longue Duree*. Lieden: Brill Publication.
- Rihoux, B & Ragin, C. (2009). *Configurational Comparative Methods*. Los Angeles: Sage Publication.
- Sadeghi Tahsili, T; Zahedi, S.A. (2012). The place of mothers in *Shahnameh* and *Ramayana*. *Journal of Comparative Literature*. 5 (9). 95-112. (In Persian).
- Sattari, R; Saffar Haidari, H; Mehrabikali, M. (2014). "The Study of Rostam's character based on the story of "Rostam and Esfandyar" in *Shâhnâmeh* and theory of "self - actualization" by Abraham Maslow". *Journal of literary text research*. 9 (64). 83-109. (In Persian).
- Shattuck, S. (2015). *Hindu religion*. Translated by Hassan Afshar. Second edition. Tehran: Nashre Markaz. (In Persian).
- Valmiki & Das, T. (2000). *Ramayana*. Translation of Amersankeh and Amrprakash. Tehran: Alaste Farda cultural, artistic and cinematographic institute. (In Persian).
- Yagmai, I. (1976). *Summary of Ramayan, the oldest Hindu epic work*. Tehran: Farhang Iran Foundation Publication. (In Persian).
- Zahedi, S.A. (1389). *The image of a woman in Shahnameh and Ramayana*. Master's thesis. Under the guidance of Tahereh Sadeghi Tahsili. Khorramabad: Lorestan University, Faculty of Literature and Human Sciences. (In Persian).

